



## A Qualitative Study of the Education Status of Deprived Areas with an Emphasis on Primary Schools

Javad Shirkarami<sup>1</sup> , Alireza Faghihi<sup>2\*</sup> , Mojgan Mohammadi Naeeni<sup>3</sup> 

<sup>1</sup>. Ph.D. Student of Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

<sup>3</sup>. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.



10.22080/eps.2024.22357.2067

### Received:

September 23, 2023

### Accepted:

December 30, 2023

### Available online:

March 5, 2024

### Keywords:

Education, Deprived Areas, Primary Schools, Systematic View, Qualitative Study.

## Abstract

**Objective:** This study aims to qualitatively examine education status in deprived areas, emphasizing elementary schools.

**Method:** The research method is practical in terms of the purpose, and the necessary data was collected and analyzed with descriptive-qualitative methods, including library study, document analysis, and qualitative interviews.

**Findings:** In general, the results of input factors included centralized policies and programs, lack of experience, and lack of physical facilities and financial resources. Process factors included uniform training and lack of participation and constructive interaction between stakeholders. Outputs included poor academic performance, impractical literacy, and poor public awareness and information. Environmental factors have also included a lack of priority for education, poverty, remoteness, and dispersion.

**Conclusions and suggestions:** In general, it can be said that education problems are related to human resources, education programs and facilities, uniform education, geographical conditions, poverty and lifestyle. Finally, suggestions are provided on the need for regional planning and equitable distribution of facilities, the use of applied vocational training, the creation of incentive mechanisms, the establishment of equipped educational complexes, need-based education, and the design and implementation of cultural programs and smart schools.

**Innovation and originality:** Studying and mapping the education situation in disadvantaged areas is expected to identify the current situation and provide solutions to improve the education situation in these areas.

\* **Corresponding Author:** Alireza Faghihi

**Address:** Arak, Jannat Street, Ajami Alley, Berlian Coplex

**Email:** [faghihialireza@yahoo.com](mailto:faghihialireza@yahoo.com)



## مطالعه کیفی وضعیت آموزش مناطق محروم با تأکید بر مقطع ابتدایی

جواد شیرکرمی<sup>۱</sup> ID، علیرضا فقیهی<sup>۲</sup> ID، مژگان محمدی نائینی<sup>۳</sup> ID<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.<sup>۲</sup>استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.<sup>۳</sup>استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

10.22080/eps.2024.22357.2067

## چکیده

**هدف:** این تحقیق با هدف مطالعه کیفی وضعیت آموزش مناطق محروم با تأکید بر مقطع ابتدایی انجام شده است.**روش‌شناسی:** روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی است و با شیوه‌های توصیفی-کیفی، اعم از مطالعه کتابخانه‌ای و سندکاوی و نیز مصاحبه کیفی، داده‌های لازم گردآوری شده و مورد بررسی قرار گرفته است.**یافته‌ها:** به‌طورکلی، نتایج مربوط به عوامل دروندادی عبارت بود از سیاست‌ها و برنامه‌های متمرکز، ضعف تخصص و تجربه، کمبود امکانات فیزیکی و منابع مالی. عوامل فرآیندی شامل مواردی از قبیل آموزش یکنواخت، روش‌های منسوخ آموزش و یادگیری و عدم مشارکت و تعامل سازنده بین ذی‌نفعان بوده است. برون‌دادها عبارت بود از عملکرد نامطلوب تحصیلی، سواد غیرکاربردی، ضعف آگاهی و اطلاعات عمومی و عوامل محیطی نیز شامل مواردی همچون عدم اولویت آموزش، فقر و دورافتادگی و پراکندگی بود.**نتیجه‌گیری و پیشنهادات:** در کل، می‌توان گفت مشکلات آموزش و پرورش با مواردی نظیر نیروی انسانی، برنامه‌ها و امکانات آموزش و پرورش، آموزش یکنواخت، شرایط جغرافیایی، فقر و سبک زندگی در ارتباط است. در پایان، پیشنهادهای نظیر ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توزیع عادلانه امکانات، کاربردی ساختن آموزش‌ها، استقرار سازوکارهای تشویقی، ایجاد مجتمع‌های آموزشی مجهز، آموزش نیازمحور، طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی و هوشمندسازی مدارس ارائه شد.**نوآوری و اصالت:** انتظار می‌رود که مطالعه و ترسیم وضعیت آموزش در مناطق محروم، شناخت وضع موجود و ارائه راهکارهای بهبود وضعیت آموزش را در این مناطق در پی داشته باشد.

## تاریخ دریافت:

۱ مهر ۱۴۰۲

## تاریخ پذیرش:

۹ دی ۱۴۰۲

## تاریخ انتشار:

۱۵ اسفند ۱۴۰۲

## کلیدواژه‌ها:

آموزش؛ مناطق محروم؛ دوره ابتدایی؛ نگاه سیستمی؛ مطالعه کیفی.

نویسنده مسئول: علیرضا فقیهی

آدرس: اراک، خیابان جنت، کوچه عجمی، مجتمع برلیان.

ایمیل: [faghihialireza@yahoo.com](mailto:faghihialireza@yahoo.com)

## Extended Abstract

### Introduction

This study aimed to qualitatively examine the status of education in deprived areas with an emphasis on elementary schools. The present research is applied in terms of purpose, and necessary data were collected and examined using descriptive-qualitative methods (library study and phenomenology). Education is a vital element in the societies' economic, social, and cultural development. The progress of nations is determined through human resources, and the ideals and principles of sustainable development and establishment of social justice can be realized within the scope of education. Therefore, it is necessary to recognize the problems and deficiencies, analyze the causes and areas of educational deprivation, and determine solutions to improve the current situation and develop education.

### Methods

The research method is practical in terms of the purpose, and the necessary data was collected and analyzed using descriptive-qualitative methods, including library study, document analysis, and qualitative interviews. In order to collect appropriate data and information, written and electronic documents, books, articles, publications, and related materials in the internal and external dimension (library section), as well as expert experiences and views (interview), were used.

### Results

The results of input factors included centralized policies and programs, lack of experience, and lack of physical facilities and financial resources. The factors of the process included uniform education, outdated education methods, and lack of participation and constructive interaction between stakeholders. Outputs included poor academic performance, impractical literacy, and poor public awareness and information. Environmental factors have also included a lack of priority for education, poverty, remoteness, and dispersion. Finally, suggestions are presented on the need for regional planning and equitable distribution of facilities, the creation of incentive mechanisms, the establishment of equipped educational complexes, need-based education, and the design and implementation of cultural programs.

### Conclusion

In general, it can be said that education problems are related to human resources, education programs and facilities, uniform education, geographical conditions, poverty, and lifestyle. The areas deprived of various aspects of economy and residence, health and employment, as well as issues related to students, parents, and education resources, are unfavorable. Therefore, the development and improvement of the quality of education is a multifaceted and continuous issue directly and indirectly related to social, cultural, political, and economic dimensions. In this regard, it is necessary to examine the problems related to teachers, students, goals, methods and contents, evaluations, variety of programs, optimal use of existing facilities, synergies, and support.

### Funding

There is no funding support.

### Conflict of interest

Authors declared no conflict of interest.

### Acknowledgments

We thank all colleagues and contributors who participated in the research.



## مقدمه

ایجاد فرصت‌های آموزشی مناسب و تضمین دسترسی گروه سنی مربوط به آموزش ابتدایی با کیفیت، از رسالت‌های نظام آموزشی کشور است و اگرچه آمارها حکایت از موفقیت نسبی جذب گروه سنی آموزش عمومی دارد، اما وضعیت موجود در برخی مناطق حاکی از فاصله با وضع مطلوب و ضرورت توجه ویژه در این زمینه است (Fazli, Seif & Kiamanesh, 2009)، به طوری که اهتمام مسؤولان ذی‌ربط در زمینه رفع موانع و فراهم‌سازی مقدمات و بستر مناسب برای تحقق توسعه آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر است.

اعتقاد بر این است که پیشرفت ملتها با منابع انسانی تعیین می‌شود و برای طبقات پایین‌تر و محروم از سرمایه در یک جامعه، آموزش و پرورش ابزاری مهم در تحرک عمودی و ارتقای کیفیت زندگی و ارتقای توان رقابتی محسوب می‌شود (Nuh, 2014). در واقع در عرصه تعلیم و تربیت با تأکید بر مؤلفه‌های پیشرفت علمی، شکوفایی و رشد اجتماعی، فرض می‌شود هر فردی که مستعد به دست آوردن آموزش اصیل است باید به فراخور استعداد خود از شرایط یادگیری برابر بهره‌مند شود (Horn, 2010). بنابراین پوشش جمعیتی آموزش همراه با کیفیت مناسب، غنی و متعالی، رشد و تعالی جامعه و تسهیل روند حرکت به سمت تحقق اهداف کلان اجتماع را در پی دارد (Salehi, Zeinabadi & Parand, 2009)، اما این مسأله بدون هماهنگی و همکاری جمعی نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع و ذی‌ربط امکان‌پذیر نیست.

وظایف و کارکردهای آموزش و پرورش نسبت به سایر نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و خدماتی از حساسیت بیشتری برخوردار است. نظام تعلیم و تربیت به عنوان یکی از خرده‌نظام‌های جامعه، رسالت تربیت اعضای جامعه را بر عهده دارد. بنابراین نظارت بر نظام تعلیم و تربیت و پیگیری وضعیت دروندادها، فرآیندها، نتایج و مهارت‌ها و توانمندی‌های معلمان از اهمیت فراوانی برخوردار است. با توجه به تأثیرپذیری نظام آموزش و پرورش از تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، به‌روزرسانی و ارتقای آموزش‌ها در ابعاد موضوع، محتوا و ارزش‌یابی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Mousavi & Sharifi, 2008).

در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته با توجه به وجود موانع متعددی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی جغرافیایی و اقلیمی، به دلیل عدم امکان پوشش کامل تحصیلی، نابرابری و تبعیض جنسیتی، مسأله‌ای بارز است. بنابراین بخشی از فراگیران از روند تحصیل خارج می‌شوند و بخش دیگری نیز یا به مقاطع بالاتر وارد نمی‌شوند و یا از انگیزه لازم و الگوهای موفقیت بهره‌مند نیستند. این وضعیت نشان‌دهنده اهمیت دسترسی همگانی به آموزش و پرورش و نیز ضرورت شناسایی و رفع موانع حضور لازم‌التعلیمان به‌ویژه دختران و جذب و نگاه‌داشت آن‌ها در آموزش و پرورش و تلاش برای بهبود وضع موجود است (Fazli, Seif & Kiamanesh, 2009).

مناطق محروم به نواحی کم‌تر توسعه‌یافته‌ای اطلاق می‌شود که معمولاً از جنبه‌های مختلف اقتصادی در سطح نامطلوبی قرار دارند و بنابراین از نظر رفاه و سطح کیفیت زندگی و به تبع آن در آموزش نیز با کمبودها و مشکلاتی مواجه‌اند، به طوری که در این مناطق مسائلی نظیر تقاضا برای آموزش، کیفیت آموزش، چندیایه بودن، مختلط بودن و مسائلی در زمینه امکانات آموزشی همواره مطرح بوده است. اغلب چنین مناطقی از نظر مکانی در نواحی حاشیه شهری و یا روستاهای دورافتاده واقع شده‌اند. مناطق محروم با چالش‌ها و مشکلاتی در مورد تشکیل کلاس‌ها، معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و نیز مسائل مربوط به تناسب و میزان زمان آموزش، کمبود سرانه آموزش، کمبود وسایل و امکانات کمک آموزشی و مشکلات مربوط به نظارت بر آموزش و کیفیت یادگیری مواجه‌اند. علاوه بر این، معمولاً معلمان مدارس این مناطق آموزش‌های مناسب و مرتبط (در زمینه آموزش مناطق محروم) را دریافت نکرده‌اند (Samadian, 2006). (Makusana & Kapisa, 2007) علاوه بر مسأله کمبود وقت، عدم تناسب سنی و جنسی دانش‌آموزان، عدم حضور مستمر معلمان و دانش‌آموزان، کمبود فضا، امکانات و وسایل کمک

آموزشی، سطح پایین تجربه آموزشی و نداشتن برنامه و طرح تدریس مناسب را از خصوصیات نواحی محروم دورافتاده و روستایی بر شمرده‌اند.

توسعه آموزشی نیازمند توجه ویژه به موضوعات کاربردی محیط زندگی، توسعه مهارت‌ها و توان رقابت و ارتقای آموزش‌ها همگام با تحولات و تغییرات جدید است (Atchoarena & Gasperini, 2003). (Sadeghi, 2018)، پویایی و ترقی تعلیم و تربیت، توجه به منابع انسانی، فراهم‌سازی زمینه برای رشد همه‌جانبه، توجه به تفاوت‌های فردی، فرهنگی و محلی و تخصیص بهینه امکانات و اعتبارات را برای بهبود وضعیت آموزش پیشنهاد داده است. (JiaGuo, Huang & Zhang, 2019)، بر زمینه‌سازی تداوم تحصیلات، ارتقای سطح کیفیت آموزش، سرمایه‌گذاری آموزشی و همچنین (Nurlaela et al, 2018)، بر تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب، تشکیل دفتر آموزش و فرهنگ‌سازی، فراهم‌سازی بستر مناسب جهت ارتقای سطح عملکرد و ارتقای نظارت‌ها و هماهنگی ظرفیت‌ها تأکید دارند.

امروزه بررسی مداوم وضع موجود آموزش ضروری است و نگاه سیستماتیک، مستلزم بررسی جامع وضع موجود آموزش و پرورش، تشخیص نقاط ضعف و برنامه‌ریزی برای اصلاح کمبودها و نواقص است. اجزای اصلی در هر سیستم به طور عام و در آموزش و پرورش به طور خاص عبارت‌اند از ورودی یا درونداد<sup>۱</sup>، پردازش یا فرآیند<sup>۲</sup>، خروجی یا برونداد<sup>۳</sup>، بازخورد<sup>۴</sup> و جزء بیرونی<sup>۵</sup>. ورودی‌ها داده‌هایی هستند که وارد سیستم می‌شوند و تداوم حیات آن را ممکن می‌سازند. فرآیندها ناظر بر تغییر و تحولات ورودی‌هاست. منظور از خروجی‌ها، محصولات و خدمات سیستم است و بازخوردها هم به تحلیل نتایج و وضعیت خروجی‌ها و اصلاح سیستم اشاره دارند. همچنین عوامل محیطی با سیستم کنش و واکنش دارند؛ یعنی هم بر سیستم اثر می‌گذارند و هم از سیستم اثر می‌پذیرند.



شکل ۱. اجزای اصلی سیستم و روابط آن‌ها

با توجه به نتایج تحقیقات گذشته در مورد آموزش و پرورش در نواحی محروم و دورافتاده، شناخت ابعاد و چگونگی وضعیت موجود (آن چه هست)، شناخت عوامل ایجاد مشکلات و موانع در مسیر توسعه آموزش، تعیین اهداف و وضعیت‌های ایده‌آل، تعیین ظرفیت‌ها و ارائه راهکارهای (فوری و بلندمدت) برای بهبود وضعیت مورد تأکید قرار گرفته است. نتایج (Bashiri Haddadan et al, 2015)، نشان داد که مشکلات و کمبودهای کلاس‌های درس روستایی، مسأله دورافتادگی، کمبود امکانات و تشکیل کلاس‌های چندپایه و تأثیر مشکلات مربوط به دانش‌آموزان و معلمان و خانواده‌ها از چالش‌های امروز آموزش و پرورش در نواحی دورافتاده و محروم روستایی است و

<sup>1</sup> Input

<sup>2</sup> Process

<sup>3</sup> Output

<sup>4</sup> Feedback

<sup>5</sup> Environment



تلاش برای رفع مشکلات مربوط به عدم مطابقت با ساختار نظام آموزشی و نزول کیفیت آموزش، نقش و مسؤلیت نظام آموزشی در قبال آموزش کارآمد و تخصیص مناسب منابع مورد تأکید قرار گرفته است. (Khazaei, Soleimanpour Imran & Asghari, 2019)، معتقدند که استفاده غیرهدفمند از امکانات و مهاجرت به مناطق برخوردار از مهم‌ترین مشکلات موجود آموزش و پرورش است و برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ابعاد آن در حوزه امکانات فیزیکی و فضاهای آموزشی، شاخص منابع انسانی و امکانات اقتصادی در روند برنامه آموزشی مدارس و ایجاد توازن در توسعه متعادل آموزشی بر بهره‌وری از امکانات تأثیر مثبت و معناداری دارد. (نتایج پژوهش، Sobhani, 2020)، نشان داد که در شاخص‌های مورد بررسی بین مناطق تفاوت وجود دارد و پیشنهاداتی در جهت پایداری آموزش و کاهش شکاف آموزشی، افزایش اعتبارات و تقویت فرهنگ آموزش در شهرستان‌های محروم ارائه شد. از نظر (Aikman & El haj, 2006)، مشکل و مسأله اصلی دسترسی به آموزش با کیفیت برای عشایر مرتبط با جابه‌جایی و کوچ فصلی است و راه حل مشکلات در گرو تهیه امکانات آموزشی و کمک آموزشی و فضاهای سیار و اختصاص منابع مالی کافی در جهت پشتیبانی از فعالیت‌ها می‌باشد. (نتایج مطالعات، Mohammadi Mehr et al, 2020)، نشان داد که بین مؤلفه‌های نابرابری آموزشی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه تفاوت وجود دارد؛ در کشورهای پیشرفته‌تر نابرابری بیشتر به عوامل تبعیض قومی و نژادی، میزان درآمد، مهاجرت و کیفیت آموزش مرتبط است، اما در کشورهای در حال توسعه نابرابری آموزشی در ابعاد جنسیت و فضاهای آموزشی، محرومیت فرهنگی، دورافتادگی و دوزبانگی مطرح است. (Breen et al, 2010)، معتقدند که شکاف طبقاتی، تمرکزگرایی و آموزش‌های غیرتخصصی از عمده‌ترین مشکلات موجود و فراروی آموزش و پرورش است. در راستای کاهش شکاف طبقاتی و تحقق توسعه آموزشی، هر دو بعد کمی و کیفی آموزش و پرورش مورد تأکید قرار گرفته و توجه به مسائلی نظیر تنظیم خانواده، سیاست‌گذاری در مورد رفاه و تحول در نهادها و روش‌های آموزشی، توجه ویژه به آموزش مقدماتی و پایه، تمرکززدایی، آموزش تخصصی، گسترش ساختمان و فضاهای آموزشی پیشنهاد شده است. بر اساس نتایج پژوهش (Maleki, Ahmadi & Torabi, 2013)، وضعیت توسعه آموزشی از جنبه توزیع فضایی آموزش و پرورش نشان‌دهنده شکاف و نابرابری است، به طوری که نواحی شرقی استان مورد مطالعه، با وجود جمعیت کمتر نسبت به بخش‌های دیگر از توسعه فضایی بالاتری برخوردار می‌باشند.

(Kormos & Wisdom, 2021)، ضمن تأکید بر نقش فناوری‌های آموزشی الکترونیکی در یادگیری سریع و با کیفیت‌تر دانش‌آموزان و ضرورت بهره‌بردن از این فناوری‌ها، دریافتند که مدارس و دانش‌آموزان مناطق دورافتاده و محروم به این امکانات دسترسی لازم را ندارند. نتایج (Alinia et al, 2021)، حاکی از درک معلمان از سطوح نابرابری و بی‌عدالتی در توزیع امکانات بوده است که تعدادی نیز میزان محرومیت مدرسه خود را نسبت به مدارس دیگر شدیدتر توصیف کرده و معتقدند این وضعیت، بر مسائل تربیتی و عملکرد تحصیلی و اعتماد به نفس دانش‌آموزان آثار نامطلوبی بر جای می‌گذارد. یافته‌های (Taneri & Demir, 2011)، نشان داد که معلمان و دانش‌آموزان از فضای فیزیکی مدارس رضایت دارند، اما مشارکت والدین در امور آموزشی بسیار پایین است و نیز درصد بالایی از معلمان در حوزه‌های نامرتب با تحصیلات خود تدریس می‌کنند. نتایج این پژوهش، در قالب مؤلفه‌های مربوط به امکانات، انتظارات تحصیلی، ویژگی‌های معلم، جو و محیط مدرسه، کیفیت آموزش، مشارکت والدین، اجرای برنامه درسی، تهیه و کاربرد فناوری، دسته‌بندی و تنظیم شده است. در پژوهشی که توسط (Nurlaela et al, 2018) انجام شد، نتایج مصاحبه، مشاهده و بررسی اسناد نشان داد که بر اساس شاخص‌های آموزش و پرورش و منابع انسانی، طراحی و اجرای برنامه‌های مطلوب جهت بهبود وضع موجود امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. در پژوهش مذکور، به منظور بهبود وضعیت و تحقق اهداف، پیشنهادات زیر مطرح شده است: الف- ارتقا و بهبود عملکرد معلمان؛ ب- بهبود وضعیت نظارت و راهنمایی؛ ج- تعامل حکومت و جامعه و فعالیت مکمل در ابعاد آموزش رسمی و غیررسمی.

با وجود آمار و ارقام و نتایج نسبتاً مناسب سال‌های اخیر، آموزش و پرورش در برخی از مناطق همچنان نیاز به توجه ویژه و با نقطه مطلوب فاصله دارد (Fazli, 2009). در این راستا، توجه به همه استعدادها و ظرفیت‌های انسانی که آن هم وابسته به توزیع مناسب امکانات مالی و فضا و تجهیزات متناسب با نیازمندی‌های نواحی مختلف می‌باشد، ضروری است (Zakeri, 2017).

هدف از انجام پژوهش حاضر، گردآوری داده‌های لازم در مورد وضع موجود آموزش در مناطق محروم می‌باشد. آموزش و پرورش منطقه موسیان که در محدوده شهرستان دهلران و در استان ایلام واقع است، برای گردآوری داده‌های لازم بر اساس تجارب فرهنگیان انتخاب شده است. بیشتر نواحی این منطقه دارای بافت روستایی بوده و اغلب مردم آن در مشاغل دام‌پروری و کشاورزی فعالیت دارند. نتایج تحقیقات انجام شده، نشان‌دهنده محرومیت و توسعه نیافتگی استان ایلام (به‌طورکلی) و منطقه مورد مطالعه به طور خاص است. بر اساس نتایج پژوهش (Sajjadian & Ekrami, 2016) و (Amanpour, Parvizian & Alizadeh, 2015)، از نظر شاخص‌های توسعه (عوامل اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی و...)، استان ایلام و منطقه موسیان که جزء نقاط کمتر توسعه یافته استان است، از محروم‌ترین مناطق کشور می‌باشند. مشاهدات و مطالعات مقدماتی قبل از انجام پژوهش حاضر نیز مؤید وضعیت نامناسب بهداشتی، سطح پایین اشتغال، تحقق نیافتن پوشش تحصیلی برای تمام لازم‌التعلیمان، آمار بالای ترک تحصیل و وضعیت نامناسب امکانات از نظر کمی و کیفی بوده است. پژوهش حاضر با هدف مطالعه وضعیت موجود آموزش مقطع ابتدایی بر اساس مطالعه منابع و تجارب آموزگاران و کارشناسان در منطقه موسیان و شناسایی و نمایش ابعاد محرومیت آموزشی به منظور دستیابی به راهکارهای مؤثر انجام شده است.

## روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی است و با شیوه‌های مطالعه کتابخانه‌ای و سندکاوی و نیز مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند بر اساس تجارب زیسته (پدیدارشناسی)، داده‌های لازم گردآوری شده و مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقات کیفی و روش انجام آن‌ها در نتیجه تغییر تمرکز پژوهشگران از کمیت به ذهنیت مورد توجه قرار گرفت. پدیدارشناسی روشی است که با تأکید بر وجوه ذهنی در مقابل اثبات‌گرایی<sup>۱</sup> و الگوهای روشمند قرار دارد (Husserl, 2018) و در واقع به دنبال جهان جدا از انسان نیست، بلکه پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهداتی را که بی‌واسطه در تجربه ما ظاهر می‌شوند، مورد تأکید قرار می‌دهد (Ebrahimi Kushk Mehdi, 2016).

در بخش کتابخانه‌ای، جامعه مطالعاتی شامل کلیه کتاب‌ها، نشریات، مقالات و مطالب مرتبط در بعد داخلی و خارجی و نیز اسناد و مدارک موجود در زمینه وضعیت آموزش در مناطق محروم بوده است و در بخش مصاحبه، جامعه آماری عبارت است از دست‌اندرکاران آموزش ابتدایی (آموزگاران، مدیران، راهبران آموزشی) شاغل در آموزش و پرورش منطقه موسیان. حجم نمونه مناسب در شیوه‌های کیفی مورد استفاده، از طریق معیار اشباع نظری تعیین شده است. از نظر (Strauss & Corbin, 2006)، اشباع نظری، مرحله‌ای است که در آن در مورد مقوله مورد نظر، روابط تأیید شده و دیگر داده‌های جدیدی به دست نیاید. بنابراین با هدف دستیابی به نمونه‌های غنی و دارای اطلاعات ارزشمند، با استفاده از معیار اشباع نظری تا پایان یافته‌های جدید، انتخاب نمونه‌های دیگر به صورت هدفمند ادامه می‌یابد. ملاک‌های انتخاب و بررسی اسناد و منابع عبارت است از ارتباط مطالب با موضوع و سودمندی در پاسخ به سؤال تحقیق، چاپ در انتشارات و نشریه‌های معتبر، رسیدن به مرحله اشباع داده‌های

<sup>1</sup> Positivism



مستخرج از منابع و همچنین دارا بودن حداقل پنج سال سابقه کار مرتبط با آموزش در منطقه محروم مورد مطالعه، رضایت کامل نمونه‌ها برای شرکت در مصاحبه و رسیدن به حد اشباع داده‌های حاصل از مصاحبه، از ملاک‌های تعیین حجم نمونه برای شرکت در مصاحبه بوده است. ابزارهای اصلی برای گردآوری اطلاعات و ثبت مطالب مهم و دیدگاه‌های مرتبط با موضوع عبارت‌اند از یادداشت‌برداری (نکته‌برداری)، فیش‌برداری (ثبت منظم اطلاعات و نکات مهم) و مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته. در ابتدای مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا تجارب زیسته خود را روایت کنند. پس از آنکه شرکت‌کنندگان تجارب خود را بیان نمودند، پژوهشگر به‌تناوب و بر حسب لزوم، سؤالات مرتبط و تکمیلی را مطرح و سپس نسبت به ثبت و گزارش متن مصاحبه‌ها و بازخوانی و توصیف نتایج اقدام شد. مدت مصاحبه‌ها با توجه به حجم مطالب بیان شده و میزان پاسخ‌دهی مشارکت‌کنندگان، بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامید.

در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از طریق شیوه‌های کیفی (منابع متنی و مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته)، ابتدا به توصیف و بازخوانی و تحلیل سند و محتوا پرداخته و سپس نسبت به استخراج گزاره‌ها، کدگذاری و مفهوم‌سازی اقدام شده است. داده‌های حاصل از روش کتاب‌خانه‌ای، پس از مطالعه دقیق و تحلیل سند و استخراج شناسه‌ها و گزاره‌های مهم و مرتبط با موضوع با رعایت اصل کاهش داده‌ها (عدم تکرار)، کدگذاری، دسته‌بندی و مقوله‌بندی شده‌اند. پس از گردآوری و ثبت محتوای مصاحبه‌ها، شناسه و گزاره‌های معنی‌دار و مرتبط با موضوع و سؤالات، استخراج و سپس تفکیک و در نهایت تا حد امکان خلاصه و دسته‌بندی شدند.

برای تأمین اعتبار یافته‌های پژوهش کیفی، می‌توان از معیارهای مقبولیت و اطمینان‌پذیری که توسط (Lincoln & Guba, 1985) در ارزیابی تحقیقات کیفی مطرح شده‌اند، بهره برد؛ مقبول بودن یا باورپذیری<sup>۱</sup>، ناظر بر مواردی همچون معناداری و باورپذیر بودن یافته‌ها می‌باشد که مطالعه دقیق، طولانی مدت و رعایت چارچوب و دقت در گردآوری داده‌ها را شامل می‌شود و اعتماد یا اطمینان‌پذیری<sup>۲</sup> ناظر بر ثبت و ضبط و یادداشت تمامی مراحل و جزئیات پژوهش و گردآوری داده‌ها و بررسی دیگر محققان و متخصصان تا پایان پژوهش و کسب اطمینان از نتایج کسب‌شده می‌باشد (Pursalim, Arefi & Fathi Vajargah, 2017). (Holloway & Wheeler, 2010)، برای اعتباریابی پژوهش کیفی، درگیری طولانی و مشاهده مداوم، پرسش از همکاران و کاوش به وسیله مشارکت‌کنندگان را پیشنهاد داده‌اند (Mirkamali et al, 2016).

در راستای تعیین اعتبار یافته‌های بخش سندکاوی، به منظور ارزیابی صحت و مناسب و منطقی بودن یافته‌ها، از طریق معیار باورپذیری و اتخاذ راهبردهای بررسی اعتبار منابع، رعایت چارچوب موضوع و بازبینی مجدد اسناد و منابع، روایی یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفت. همچنین از طریق ثبت منظم یافته‌ها و رعایت مراحل یادداشت‌برداری، قابلیت اطمینان و ثبات یافته‌ها بر اساس الف- ثبت مراحل کار، ب- نظارت کارشناسان بر فرآیند مطالعه و ج- تعامل محقق و داوران مورد بررسی قرار گرفت. در مورد اعتبار یافته‌های مصاحبه‌ها، روایی سؤالات و یافته‌های مصاحبه بر اساس نظر و دیدگاه‌های متخصصان و کارشناسان و آموزگاران باتجربه تعیین شد و اطمینان یا اعتماد به داده‌ها با استفاده از شیوه‌های ثبت و یادداشت اطلاعات و بازبینی مجدد و نیز بررسی توسط محققان دیگر (حسابرسی پژوهش) تعیین شده است. در نهایت، یافته‌ها و اطلاعات در جداول و اشکال مناسب، طبقه‌بندی و سازمان‌دهی شده است.

#### جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی<sup>۳</sup> شرکت‌کنندگان

<sup>1</sup> Credibility

<sup>2</sup> Dependability

<sup>3</sup> Demographic



کد مصاحبه شونده	سن	جنس	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	سابقه کاری
۱	۴۷	زن	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۲۱
۲	۴۱	زن	کارشناسی	علوم تربیتی	۱۱
۳	۴۰	مرد	کارشناسی ارشد	مدیریت آموزشی	۲۱
۴	۳۸	مرد	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی آموزشی	۱۳
۵	۴۲	مرد	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی آموزشی	۱۷
۶	۵۲	مرد	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۲۹
۷	۳۹	زن	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی آموزشی	۱۴
۸	۲۸	زن	کارشناسی	علوم تربیتی	۱۰
۹	۴۷	مرد	کارشناسی	راهنمایی و مشاوره	۲۴
۱۰	۳۶	مرد	کارشناسی ارشد	روانشناسی تربیتی	۱۰
۱۱	۴۶	زن	کارشناسی	راهنمایی و مشاوره	۲۱
۱۲	۴۳	زن	کارشناسی	علوم تربیتی	۱۹

## یافته‌های پژوهش

بخش کتابخانه‌ای

جدول ۲. خلاصه یافته‌های تحلیل اسناد و منابع در مورد آموزش مناطق محروم

ابعاد	ملاک (مقوله‌ها)	نشانگر (گزاره‌ها)	منابع و تحقیقات مرتبط
درونداد	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	عدم توجه کافی به وضعیت و نیازهای محلی در اهداف آموزش دوره ابتدایی	Burke et al (2002) Bazargan, A (2004) Aikman, S. El haj, H (2006) Nurlaela, L. et al (2018) Jiaguo, L. Huang, J. Zhang, Y (2019) Khazaei, M. Soleimanpour Imran, M. Asghari, H (2019) Mohammadi Mehr, M. Khosravi, M. Shahmoradi, M. Sheikhi, S (2020) Hossein Bor, M. Naderi, E. Seif, M (2022)
		سطح پایین تناسب محتوا و مواد آموزشی دوره ابتدایی با نیازهای محلی	
	عدم تناسب منابع مالی و اعتبارات با نیازهای آموزش ابتدایی		
امکانات و تجهیزات	منابع مالی و تسهیلات	عدم تناسب اعتبارات و تسهیلات رفاهی تخصیص‌یافته به معلمان آموزش ابتدایی	
		عدم تناسب اعتبارات تخصیص‌یافته به فعالیت‌های پرورشی و پژوهشی آموزش ابتدایی	
	کمبود میز و صندلی و تخته استاندارد و با کیفیت		
نیروی انسانی	امکانات و تجهیزات	نامناسب بودن وضعیت نور و تهویه هوا	
		نامناسب بودن وسایل سرمایشی و گرمایشی	
		نواقص و کمبودهای کمی و کیفی نیروی انسانی	



	وضعیت نامناسب توزیع نیروی انسانی بین نواحی مختلف	فضاهای آموزشی		
	عدم تناسب نسبت دانش آموز به معلم در آموزش ابتدایی			
	عدم تناسب مدرک تحصیلی، سوابق و تجارب کاری معلمان			
	تعداد و درصد بالای دانش آموزان کلاس های چند پایه			
	عدم تناسب کمی و کیفی امکانات و فضاهای آموزشی			
	عدم تناسب کمی و کیفی کتابخانه ها و آزمایشگاه ها			
	توزیع نامناسب امکانات و فضای آموزشی دوره ابتدایی در نواحی مختلف			
	عدم تناسب رسانه های سمعی و بصری و چند رسانه با نیازهای آموزش ابتدایی			تکنولوژی آموزش
کمبود تجهیزات مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش ابتدایی				
Al-Turki & Duffuaa (2003) Fazli, R. Seif, A.A. Kiamanesh, A (2009) Breen, R. Luijckx, R. Muller, W & Pollak, R (2010) Taneri, P.O. Engin-Demir, C (2011) Bashiri Haddadan, G. Mohammadi, F. Rezapour, Y. Adib, Y (2015) Nurlaela, L. et al (2018)	سطح پایین تنوع و انعطاف در آموزش و عدم توجه کافی نسبت به تفاوت های فردی در تدریس	آموزش و تدریس	فرآیند	
	استفاده محدود از روش های نوین یاددهی-یادگیری در تدریس			
	وضعیت نامناسب تخصص و تسلط بر محتوای آموزشی و مهارت های تدریس			
	توجه ناکافی به یادگیری عمیق در تدریس سرفصل ها و محتوای آموزشی			
	سطح پایین علاقه و انگیزه و پشتکار معلمان آموزش ابتدایی			
	توجه ناکافی نسبت به فعالیت های علمی-فرهنگی، هنری و پرورشی			
	استفاده محدود از تکنولوژی آموزشی (فناوری و رسانه ها) در فرآیند تدریس			فناوری آموزشی
	توجه ناکافی نسبت به طراحی سیستم نظارت و مدیریت مؤسسات آموزشی			
	عدم تناسب و همسویی عملکرد مدیر، آموزگار و کارکنان بخش های مختلف			تعامل و هم افزایی

	عدم هماهنگی و تعامل مناسب انجمن اولیا و مربیان و شوراهای مدرسه		
	سطح پایین حمایت مادی و معنوی سازمان از اعضای خود		
	سطح پایین همکاری و هماهنگی و حمایت اعضای سازمان از یکدیگر		
	توجه ناکافی نسبت به تفاوت‌ها و نیازهای آموزشی فراگیران به تفکیک جنس	تفاوت‌ها و نیازهای آموزشی	
	توجه ناکافی نسبت به مهارت‌های ضروری، تغذیه و بهداشت و... در محتوای آموزشی		
	عدم تناسب آموزش‌های ضمن خدمت کادر آموزشی و مدیریتی با وضعیت و شرایط کاری	آموزش نیروی انسانی	
	شیوه و زمان نامناسب برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت		
	وضعیت نامناسب تأمین مواد آموزشی و رفاه و آسایش کارکنان	حمایت و پشتیبانی	
	عدم حمایت کافی در راه‌اندازی، تعمیر و نگهداری فضا، تجهیزات و تأسیسات		
Bazargan, A (2004) Ahanchian, M. R (2007) Salehi, K. Zeinabadi, H.R. Parand, K (2009) Fazli, R. Seif, A.A. Kiamanesh, A (2009) Nurlaela, L. et al (2018)	وضعیت نامناسب عملکرد کمی و کیفی دانش‌آموزان آموزش ابتدایی	عملکرد تحصیلی	برونداد
	وضعیت نامناسب عملکرد تکوینی و تراکمی دانش‌آموزان		
	سطح پایین مهارت‌های گوناگون دانش‌آموزان در آموزش ابتدایی	آموزش کاربردی	
	عدم هم‌سویی آموزش و یادگیری با جنبه‌های مختلف زندگی کودکان (فراگیران)		
	سطح پایین رعایت اصول بهداشت فردی دانش‌آموزان	پیامدهای آموزش	
	عدم ارتقای فرهنگی و آگاهی و دانش عمومی دانش‌آموزان		
	عدم ارتقا و تعالی نگرش، مهارت و خلاقیت دانش‌آموزان مقطع ابتدایی	پیامدهای آموزش	
	ضعف سواد ارتباطی (کلامی و رفتاری) دانش‌آموزان		



	سطح پایین میزان رعایت اصول شهروندی، مسئولیت پذیری و انجام وظایف توسط دانش آموزان		
	سطح پایین میزان کسب دانش لازم و مهارت های تفکر انتقادی		
Atchoarena & Gasperini (2003) Kerr, K. West, M (2010) Taneri, P.O. Engin-Demir, C (2011) Atef, H. Medhat, M. (2015) Gertler, P. Schargrotsky, E (2008) Turani, H. Aref Nejad, S (2018) Ghasemi Nejad, A. Bahrami, V (2021)	تأثیر نامطلوب محیط فرهنگی بر مشارکت و ارتقای سطح کمی و کیفی آموزش	عوامل فرهنگی	محیط
	دیدگاه و نگاه نامناسب والدین نسبت به آموزش و پیگیری وضعیت تحصیل فرزندان		
	تأثیر نامطلوب شرایط اقلیمی و آب و هوا بر تحقق اهداف و مقاصد آموزش		
	تأثیر نامطلوب اوضاع طبیعی منطقه محل سکونت بر اجرای آموزش مقطع ابتدایی و تحقق اهداف و مقاصد آموزش	عوامل جغرافیایی	
	وضعیت نامناسب راه ها و حمل و نقل و تدارکات اداری مرتبط با آموزش		
	تأثیر نامطلوب نواقص و کمبودهای مالی و رفاهی و درآمدی بر روند آموزش	عوامل اقتصادی	
	وضعیت نامطلوب دسترسی مردم به مسکن، شغل و بهداشت مناسب		
	ضعف و ناهم سویی آموزش و پرورش فردی، اجتماعی و خانوادگی	عوامل اجتماعی	
عدم تناسب قوانین و مقررات آموزشی و استخدامی برای بهبود وضع موجود			

بر اساس یافته ها، عدم تناسب اهداف آموزش رسمی و غیررسمی و عدم ارتباط محتوا و مواد آموزشی دوره ابتدایی با نیازهای محلی، کمبود امکانات، وسایل و فضاهای آموزشی با کیفیت، عدم تناسب منابع و اعتبارات و وضعیت نامطلوب کمی و کیفی نیروی انسانی در بعد دروندادی؛ آموزش یکسان و بی توجهی به تفاوتها، استفاده محدود از روش های نوین تدریس و فناوری آموزش و توجه ناکافی نسبت به فعالیت های علمی، پژوهشی و پرورشی و نیازهای آموزشی دانش آموزان، ناهماهنگی و عدم هم افزایی کادر آموزشی با یکدیگر و با اولیای دانش آموزان، عدم تناسب آموزش های ضمن خدمت و عدم حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی لازم در بعد فرآیندی؛ عملکرد نامطلوب کمی و کیفی دانش آموزان، سواد غیرکاربردی، وضعیت نامطلوب بهداشت جسمی، ضعف آگاهی های عمومی و ناهنجاری رفتاری و ضعف در مسئولیت پذیری در بعد برون دادی و تأثیر نامطلوب عوامل مربوط به رسوم محلی و نوع نگاه، تأثیر نامطلوب شرایط، موقعیت و اوضاع اقلیمی و طبیعی، تأثیر نامطلوب وضعیت اقتصادی و مالی و تأثیر عوامل اجتماعی و قواعد و مقررات در بعد محیطی از ویژگی های آموزش مناطق محروم می باشند.

## یافته‌های بخش مصاحبه

### نیروی انسانی

#### کمبود نیروی آموزشی باتجربه

کمبود نیروی آموزشی به شکل دائم و یا موقت، مسأله‌ای است که ما همیشه با آن مواجه هستیم و گاهی اوقات کلاس‌های درس تا یک ماه و یا حتی بیشتر بدون معلم هستند که این مسأله گذشته از عقب‌ماندگی دانش آموزان از دروس و بودجه‌بندی آموزشی، تحمیل فشار مضاعف بر دیگر آموزگاران را در پی دارد (شرکت‌کننده شماره ۷ و شرکت‌کننده شماره ۱۰).

#### کمبود نیروی خدماتی و بهداشتی

برخی از مدارس از جمله مدرسه‌ای که من در آن کار می‌کنم با وجود تعداد زیاد دانش‌آموز، نیروی خدماتی و بهداشتی در اختیار ندارند و این مسأله، بهداشت کارکنان و دانش‌آموزان را با خطر مواجه می‌سازد و آن‌ها مجبور می‌شوند بخشی از زمان آموزش خود را برای نظافت محیط آموزشگاه صرف کنند (شرکت‌کننده شماره ۲).

#### تحصیلات نامرتب

تحصیلات تعدادی از نیروهای آموزشی با آموزش مقطع ابتدایی نامرتب است و این عدم تناسب و انطباق مدرک تحصیلی بخشی از همکاران، به دلیل عدم آشنایی کافی با ویژگی‌های دانش‌آموزان این مقطع و تسلط ناکافی بر محتوای آموزشی، نزول کیفیت آموزش و در نتیجه تحمیل فشار روانی بر خود آموزگار و نیز افت تحصیلی دانش آموزان در پایه‌های دیگر و سرایت این فشار روانی به دیگر همکاران را موجب می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۳).

#### ضعف تخصص و تجربه

آموزش‌های دانشگاهی تطابق لازم را با وضعیت موجود مناطق محروم دارا نیست و مسؤولان و افراد ذی‌ربط در راستای بهبود وضع موجود، رفع نیازها و برنامه‌ریزی آموزش‌های مرتبط ضمن خدمت و اشتراک تجارب، توجه و تمرکز کافی را اعمال نمی‌کنند (شرکت‌کننده شماره ۴).

#### توزیع نامناسب نیروی آموزشی

در بعضی مدارس روستایی تعداد معلمان بیشتری خدمت می‌کنند و کلاس‌ها تک‌پایه هستند، اما در برخی مدارس دورافتاده‌تر یک یا دو معلم باید همه دانش‌آموزان را آموزش دهند. این عدم توزیع مناسب نیروها، تشدید استرس و فشار کاری بر روی کادر آموزشی برخی از مدارس (مدیران و آموزگاران) را در پی دارد (شرکت‌کننده شماره ۵).

#### عدم بومی‌گزینی

درصد بسیار پایینی از آموزگاران و مدیران شاغل در منطقه محل خدمت اینجانب، بومی هستند. تخصیص بخشی از ظرفیت‌های استخدامی به سهمیه‌های بومی ضروری است و این امر، علاوه بر تسهیل ارتباط اولیا و مربیان و جلب اعتماد والدین نسبت به آموزش و تحصیل، آرامش و تمرکز کادر آموزشی را به دنبال دارد (شرکت‌کننده شماره ۹).

#### تسهیلات و امکانات رفاهی

عدم تخصیص پاداش، حمایت مالی و ارائه خدمات رفاهی برای تشویق و دلگرمی معلمان روستایی و جبران بخشی از سختی‌ها و نیازها به کاهش انگیزه و نشاط نیروی انسانی منجر شده و معلمان با مقایسه وضعیت و شرایط



کاری خود با دیگر همکاران از عدم حمایت و عدم اختصاص تسهیلات مناسب و ویژه رضایت ندارند (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

در مدارس ما، محیط فیزیکی مناسب برای استراحت موقت و یا برای اقامت معلمان در محل خدمت وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، فاقد استحکام و ایمنی و امکانات لازم برای اقامت است. معلمان در مناطق دورافتاده نمی‌توانند هر روز رفت‌وآمد داشته باشند و همچنین به سرویس مناسب نیز دسترسی ندارند و باید با هزینه شخصی رفت‌وآمد داشته باشند (شرکت‌کننده شماره ۹ و شرکت‌کننده شماره ۱۰).

## فرآیندهای آموزش و یادگیری

### سیاست‌های آموزشی متمرکز

در حال حاضر، آموزش بر اساس سرفصل‌های هماهنگ کشوری و به صورت متمرکز انجام می‌شود و این در حالی است که محتوا و شیوه‌های آموزشی موجود از تناسب و انطباق لازم با نیازها و امکانات محلی برخوردار نیست (شرکت‌کننده شماره ۳).

ضوابط مالی، جذب و توزیع نیروی انسانی صرفاً بر اساس نظام متمرکز آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در صورتی که نیازهای مناطق محروم باید به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد و منابع لازم تخصیص یابد. از طرفی سیاست‌های جذب و توزیع نیروی آموزشی باید مورد تعدیل قرار گیرد تا ترکیبی از فاکتورهای شایستگی، تجربه و محل اقامت و... در نظر گرفته شود (شرکت‌کننده شماره ۵ و شرکت‌کننده شماره ۶).

ارزیابی‌ها و نظارت‌ها عمدتاً با هدف تعیین تسلط و شایستگی و توانمندی‌های علمی و آموزشی بر اساس نظام متمرکز و هماهنگ انجام می‌شود. اما نیازها و شرایط محلی و خصوصیات دانش‌آموزان هر منطقه مورد غفلت قرار می‌گیرد (شرکت‌کننده شماره ۵).

### تمرکز بر ابعاد خاص

در آموزش‌های موجود، بیشتر به ابعاد شناختی اهمیت داده می‌شود و از ابعاد عاطفی، عملی و کاربردی غفلت می‌شود. تدریس بر مبنای بودجه‌بندی محتوای آموزشی همیشه مورد تأکید است و در محتوا و توصیه‌نامه‌ها آن چنان که باید به مسائل روانی و عاطفی و آموزش‌های کاربردی برای دانش‌آموزان اهمیت داده نمی‌شود (شرکت‌کننده شماره ۳).

بر اساس تجاربی که در این چند سال تدریس در آموزش ابتدایی داشته‌ام به نظرم بیش از حد به کمیت و ضرورت ارتقا به پایه بالاتر توجه می‌شود و به مسأله کیفیت آموزش توجه کافی نمی‌شود و درواقع کیفیت فدای کمیت می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۴).

### شیوه‌های منسوخ آموزش و تدریس

با توجه به سیستم تربیت معلمان و آموزش‌های آمادگی حرفه‌ای، آموزش‌ها همچنان بر پایه شیوه‌های سنتی و معلم‌محور انجام می‌شود و شیوه‌های قدیمی هنوز مورد استقبال قرار می‌گیرد. درحالی‌که بسیاری از کشورها، تکنولوژی را در خدمت آموزش قرار داده‌اند و سیستم‌های نوین و منعطف نظیر آموزش در حین کار و فعالیت و بازی را مورد توجه قرار می‌دهند (شرکت‌کننده شماره ۵ و شرکت‌کننده شماره ۷).

### مدیریت کلاس درس

از آنجایی‌که بنده معلم مدارس چندپایه می‌باشم، به تجربه دریافته‌ام که وجود محتوای یکسان برای دانش‌آموزان عادی و چندپایه کار درستی نیست. با توجه به بافت مناطق روستایی و همچنین مهم‌تر از همه، وجود دانش

آموزان گروه‌های سنی مختلف در یک کلاس و لزوم تسریع در جریان یادگیری توسط معلم، لازم است محتواها و کتاب‌های خاص این مناطق تهیه و مورد استفاده قرار گیرد (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

در کلاسی که من تدریس می‌کنم، دانش‌آموزان از نظر سطح علمی، پایه تحصیلی و نیز از نظر سنی با هم تفاوت دارند و چنین کلاس‌هایی نوع خاصی از موقعیت آموزشی ایجاد می‌کنند که محتوا و روش‌های خاص خود را می‌طلبد، تا علاوه بر افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های آموزشی، در رعایت نظم و تعامل سازنده و یادگیری بهتر دانش‌آموزان به معلم کند. اما سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی و انتظارات ناظران اداری، همگی صرفاً بر آموزش و تدریس هماهنگ بر اساس محتوای متمرکز و کتابی تأکید دارند (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

### کمبود زمان

با توجه به چندپایه بودن تعداد زیادی از کلاس‌ها، معمولاً معلمان برای اجرای کامل برنامه‌ها با کمبود زمان مواجه می‌شوند. البته با توجه به مشکلات موجود، انتظار کار بیش از حد و نامتعارف از معلم هم معقولانه نیست. این در حالی است که برنامه‌ریزی و اختصاص بودجه برای راه‌های دیگر نظیر آموزش جبرانی و اضافه کار هم در اولویت قرار ندارد (شرکت‌کننده شماره ۳).

در بسیاری از مواقع، معلم تمام سعی و تلاش خود را در جهت یادگیری دانش‌آموزان انجام می‌دهد، اما به علت اینکه سطح سواد خانواده‌ها پایین است، مطالب و تکالیف در خانواده‌ها تمرین و تکرار نمی‌شود و دانش‌آموزان تنها متکی به معلمان می‌شوند و چون معلم با گروه‌های سنی متعددی در کلاس روبه‌رو است، با فشار کاری بیش از حدی مواجه می‌شود و ممکن است نتواند کارایی لازم را از خود نشان دهد (شرکت‌کننده شماره ۱۱ و شرکت‌کننده شماره ۱۲).

## تجهیزات و امکانات

### کمبود کمی و کیفی امکانات

وضعیت تجهیزات و وسایل سرمایشی و گرمایشی مطلوب نیست و نیز سرویس‌های بهداشتی، نامناسب و فاقد اصول بهداشتی است. در صورتی که وجود و کیفیت این امکانات، جزء ابتدایی‌ترین تجهیزات و وسایل ضروری برای دایر کردن هر محیط آموزشی است (شرکت‌کننده شماره ۲).

مدارس منطقه ما، حداقل امکانات مناسب ورزشی و زمین بازی مناسب برای دانش‌آموزان را در اختیار ندارد که با توجه به سنین کودکی و ضرورت امکان بازی و فعالیت و ابراز هیجان کودکان، این مسأله، انگیزه دانش‌آموزان را برای حضور و موفقیت در روند تحصیل تحت تأثیر قرار می‌دهد (شرکت‌کننده شماره ۶).

وسایل کمک آموزشی و وسایل مربوط به فناوری آموزش، در دسترس مدارس قرار ندارند و اگر در برخی نواحی و روستاهای اطراف هم به تعداد معدودی وجود دارد، به طور بهینه مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و می‌توان گفت هوشمندسازی و به‌کارگیری فناوری‌ها در مدارس مناطق محروم تا مرحله اجرا، راه زیادی پیش رو دارد (شرکت‌کننده شماره ۳).

امکانات و تجهیزات ساختمانی مدارس بسیار فرسوده هستند و امنیت آن‌ها پایین است. در این وضعیت، معلمان و دانش‌آموزان تمرکز و آرامش لازم را برای تدریس و یادگیری ندارند (شرکت‌کننده شماره ۵).



## تشکیل کلاس‌های چندپایه

برخی از مدارس از جمله مدرسه‌ای که اینجانب در آن کار می‌کنم از فضای کافی برخوردار نیست و با توجه به تعداد کم کلاس‌های فیزیکی، معمولاً کلاس‌های درس به صورت چندپایه برگزار می‌شوند. ناهمگون بودن دانش آموزان از نظر سن و پایه و جنس، گذشته از برخی فواید، ممکن است به بی‌نظمی و دعوا و اختلال رشد عاطفی منجر شود (شرکت‌کننده شماره ۲).

## تأمین و نگهداری تجهیزات

امکانات و تجهیزات موجودی که ما در اختیار داریم، اگرچه از نظر تعداد بسیار کم است، اما تجهیزاتی که در اختیار داریم هم از نظر استاندارد در سطح بسیار پایینی قرار دارند و وضعیت حمایت مالی و پشتیبانی از امکانات و تجهیزات مدارس در حد نامطلوبی قرار دارد (شرکت‌کننده شماره ۴ و شرکت‌کننده شماره ۱۰).

## عوامل محیطی

### فرهنگ و سبک زندگی

خانواده‌ها به درس و مشق بچه‌ها، به مانند مسائل اقتصادی و معیشتی و فعالیت‌های دیگر اهمیت نمی‌دهند و امور تحصیلی بچه‌ها برای آن‌ها اولویت ندارد. این در حالی است که دانش‌آموز بخش زیادی از زمان شبانه‌روز خود را در خانواده به سر می‌برد و تحت تأثیر نگاه و طرز فکر و فعالیت‌های اعضای خانواده قرار دارد (شرکت‌کننده شماره ۲ و شرکت‌کننده شماره ۴).

تداوم نوع نگاه سنتی که ناشی از شرایط و مقتضیات و رسوم گذشته نسبت به آموزش به خصوص آموزش دختران است، موجب کم‌اهمیتی بسیاری از خانواده‌ها نسبت به ضرورت آموزش ابتدایی و عدم پیگیری وضعیت تحصیلی و رفع کمبودها و ضعف‌های تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد که برگزاری جلسات و گردهمایی‌ها و همکاری‌های فرهنگی و آموزشی و فوق‌برنامه با همکاری اولیا و مقامات محلی می‌تواند به اصلاح تدریجی وضع موجود منجر شود (شرکت‌کننده شماره ۱ و شرکت‌کننده شماره ۹).

در روستایی که من تدریس می‌کنم، برنامه‌های تلویزیونی غیر فارسی‌زبان که گذشته از مسأله زبان، فرهنگ و آموزش‌های ناهمخوان با کشور و فرهنگ ما را ترویج می‌کنند، به طور گسترده‌ای مورد مشاهده قرار می‌گیرند. معلم این نواحی را می‌توان به شناگری تشبیه کرد که برخلاف جهت باد و امواج شنا می‌کند و طبیعی است که کار او بسیار دشوار می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۱).

### کم‌توجهی به مسائل جسمی و روانی

تعدادی از والدین نسبت به رفع نیازهای جسمی و روانی دانش‌آموزان که ضعف و ناتوانی جسمی و ذهنی و کاهش کارایی آموزش و یادگیری و افت عملکرد آن‌ها را در پی دارد، توجه کافی ندارند. خیلی از مواقع به خصوص در شیفت صبح، تعدادی از دانش‌آموزان صبحانه نمی‌خورند و با ظاهری نامرتب به مدرسه می‌آیند (شرکت‌کننده شماره ۱).

### پیش‌زمینه فقر

خانواده‌ها درآمد مستمر و همیشگی ندارند و عمدتاً از طریق دام‌پروری و یا کشاورزی فصلی و در سطح پایین، نیازهای مالی خود را برآورده می‌کنند و به‌سختی و در حداقل‌های ممکن از عهده تأمین هزینه‌های پوشاک و خوراک مناسب برای کودکان برمی‌آیند (شرکت‌کننده شماره ۷ و شرکت‌کننده شماره ۱۰).



با توجه به عدم آگاهی از فواید مواد غذایی متنوع و نیز عدم توان مالی، وضعیت تغذیه خانواده‌ها مناسب نیست و به تبع، فرزندان آن‌ها نیز همواره در معرض سوء تغذیه و کاهش تمرکز و کارایی علمی و افت تحصیلی قرار دارند (شرکت‌کننده شماره ۲ و شرکت‌کننده شماره ۱۱).

### پراکندگی و دورافتادگی

بر اساس تجاربی که در مورد پیگیری رفع مشکلات و موانع در سال‌های قبل داشته‌ام، به نظرم با القای عدم صرفه مالی، مسؤلان از سرمایه‌گذاری و اختصاص اعتبار برای تغییر و بهبود وضعیت موجود آموزش نواحی روستایی کم‌جمعیت طفره می‌روند (شرکت‌کننده شماره ۶ و شرکت‌کننده شماره ۸).

معلمان و دانش‌آموزان مناطق دورافتاده به سرویس رفت‌وآمد مناسب دسترسی ندارند و برای استفاده بهینه از امکانات موجود نیز برنامه و ابتکار مؤثری وجود ندارد و ما همچنان شاهد تداوم محرومیت آموزشی و تشکیل کلاس‌های چندپایه و مختلط با حداقل امکانات هستیم (شرکت‌کننده شماره ۷ و شرکت‌کننده شماره ۸).

### عدم مطالبه‌گری

با توجه به پراکندگی سکونتگاه‌ها و سطح سواد پایین مردم منطقه و به تبع آن دسترسی کم‌تر اهالی به مسؤلان و عدم حضور در ادارات مرتبط و نیز فعالیت کم‌تر اهالی در شبکه‌های اجتماعی، انعکاس و انتشار وضع موجود و بیان مشکلات و مطالبات به شکل مؤثر صورت نمی‌گیرد و این مسأله در تداوم وضع موجود نقش دارد (شرکت‌کننده شماره ۶).

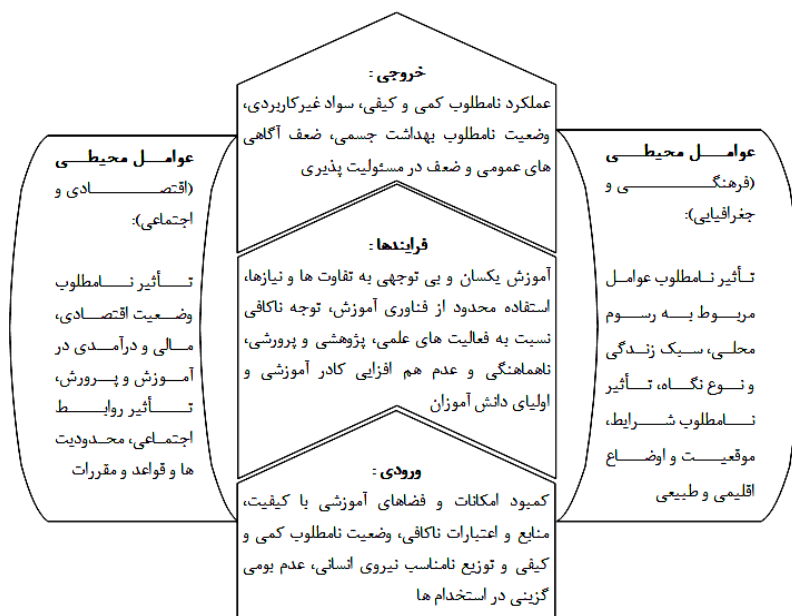
جدول ۳: خلاصه یافته‌های مصاحبه

مقوله‌ها	کدهای محوری	شواهد
	کمبود نیروی آموزشی باتجربه	کمبود نیروی آموزشی به شکل دائم و یا موقت، مسأله‌ای است که آموزش و پرورش مناطق محروم همواره با آن مواجه بوده است.
	کمبود نیروی خدماتی و بهداشتی	برخی از مدارس با وجود تعداد زیاد دانش‌آموز، نیروی خدماتی و بهداشتی لازم را در اختیار ندارند.
	تحصیلات نامرتب	تحصیلات تعدادی از نیروهای آموزشی با آموزش مقطع ابتدایی نامرتب است.
	تخصص و تجربه	تعداد زیادی از معلمان نواحی دورافتاده در سال‌های ابتدایی خدمت هستند و تجربه لازم را برای مواجه شدن با شرایط سخت کاری دارا نیستند.
نیروی انسانی	توزیع نامناسب نیروها	درحالی‌که تعداد کمی از نواحی روستایی منطقه که به شهر نزدیک هستند با تجمع نیروهای آموزشی مواجه‌اند، در مدارس نواحی دورافتاده‌تر یک یا دو معلم باید همه دانش‌آموزان پایه‌های مختلف را آموزش دهند.
	عدم بومی‌گزینی	درصد بسیار پایینی از آموزگاران و مدیران شاغل بومی هستند.
	تسهیلات رفاهی	پاداش و تسهیلات مالی مناسب به معلمان روستایی تخصیص نمی‌یابد و خدمات رفاهی به آن‌ها ارائه نمی‌شود.
		محیط فیزیکی مناسب برای استراحت موقت و یا برای اقامت معلمان در محل خدمت وجود ندارد.
فضا و تجهیزات	وضعیت کمی و کیفی فضاهای آموزشی	تعداد قابل توجهی از مدارس فضای فیزیکی کافی در اختیار ندارند و بسیاری از کلاس‌های درس چندپایه هستند.
		امکانات و تجهیزات ساختمانی موجود در مدارس بسیار فرسوده هستند و امنیت آن‌ها پایین است.



مدارس به وسایل و دستگاه‌های مربوط به تکنولوژی آموزشی دسترسی ندارند.	تأمین و نگهداری تجهیزات	
تجهیزات معدود موجود از نظر استاندارد و کیفیت کار در سطح پایینی قرار دارند.		
در آموزش‌های موجود بیشتر به ابعاد شناختی اهمیت داده می‌شود و از ابعاد عاطفی، عملی و کاربردی غفلت می‌شود.	تمرکز بر ابعاد خاص	فرآیندهای آموزش
کمیت‌ها و ضرورت ارتقا به پایه بالاتر مورد تأکید است، اما کیفیت آموزش مورد غفلت قرار می‌گیرد.		
تربیت معلمان و آموزش‌های آمادگی حرفه‌ای و تدریس در کلاس درس همچنان بر پایه شیوه‌های سنتی و معلم محور انجام می‌شود.	روش‌های منسوخ آموزش و تدریس	
با توجه به تفاوت شرایط، محتوای آموزشی یکسان برای دانش‌آموزان عادی و چندپایه، کارایی آموزش در مناطق محروم را کاهش می‌دهد.	عدم تناسب محتوای آموزشی	
شیوه‌های عادی کلاس‌داری و تدریس برای کلاس‌های چندپایه و مختلط از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نیست.	مدیریت کلاس درس	
با توجه به چندپایه بودن تعداد زیادی از کلاس‌ها، معمولاً معلمان برای اجرای کامل برنامه‌ها با کمبود زمان مواجه می‌شوند.	کمبود زمان	
با توجه به دو زبانی، کمبود امکانات و مشکلات ناشی از محیط، دانش‌آموزان نواحی دورافتاده و محروم از نظر بنیة علمی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند.	خروجی	
به تبع شیوه زندگی و معیشت خانواده‌ها، انتظارات مردم از کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان در سطح پایینی قرار دارد.	مقتضیات و شرایط محلی	محیط
با توجه به شرایط و سطح سواد، والدین نسبت به رفع نیازهای جسمی و روانی دانش‌آموزان توجه کافی ندارند.		
با توجه به پراکندگی جمعیت و سکونتگاه‌ها، مسؤولان و سازمان‌های مربوط اراده و تمایلی برای سرمایه‌گذاری و عمران منطقه ندارند.	پراکندگی و دورافتادگی	
معلمان و دانش‌آموزان نواحی دورافتاده به سرویس‌های مناسب برای رفت‌وآمد دسترسی ندارند.		

با توجه به یافته‌ها، مفاهیم و مقوله‌های حاصل از فرآیند کدگذاری و استخراج گزاره‌ها عبارت‌اند از: آموزش هماهنگ و یکسان، سیاست‌ها و برنامه‌ها و سیستم ارزیابی یکسان (آموزش متمرکز)؛ کمبود نیروی آموزشی با تجربه، کمبود نیروی خدماتی و بهداشتی، تحصیلات نامرتب، ضعف تخصص و تجربه، توزیع نامناسب نیروها، عدم بومی‌گزینی و مشکلات مربوط به تسهیلات رفاهی (منابع انسانی)؛ تمرکز بر ابعاد خاص، روش‌ها و رویه‌های منسوخ آموزشی، عدم تناسب آموزش، مشکلات مربوط به مدیریت کلاس درس، فشار کاری مضاعف و کمبود زمان (فرآیندهای آموزش و یادگیری)؛ نواقص و کمبودهای کمی و کیفی امکانات، تشکیل کلاس‌های چندپایه و مختلط و مشکلات مربوط به تأمین و نگهداری تجهیزات (تجهیزات و امکانات)؛ اولویت نداشتن آموزش، شرایط و مقتضیات ناشی از سبک زندگی و فقر، پراکندگی و دورافتادگی (عوامل محیطی).



شکل ۲. مدل مفهومی وضعیت آموزش مناطق محروم بر اساس یافته‌های پژوهش

با توجه به تجمیع یافته‌ها می‌توان وضعیت ورودی‌ها را شامل کمبود امکانات و فضاهای آموزشی با کیفیت، عدم تناسب منابع و اعتبارات، وضعیت نامطلوب کمی و کیفی و توزیع نامناسب نیروی انسانی، عدم بومی‌گزینی در استخدام‌ها؛ فرآیندها شامل آموزش یکسان و بی‌توجهی به تفاوت‌ها و نیازها، استفاده محدود از فناوری آموزش، توجه ناکافی نسبت به فعالیت‌های علمی، پژوهشی و پرورشی، ناهماهنگی و عدم تعامل و هم‌افزایی کادر آموزشی و اولیای دانش‌آموزان؛ خروجی‌ها شامل عواملی نظیر عملکرد نامطلوب کمی و کیفی، سواد غیرکاربردی، وضعیت نامطلوب بهداشت جسمی و روانی، ضعف آگاهی‌های عمومی و ضعف در مسئولیت‌پذیری؛ عوامل محیطی (فرهنگی و جغرافیایی) شامل مواردی همچون تأثیر نامطلوب عوامل مربوط به رسوم محلی، سبک زندگی و نوع نگاه، تأثیر نامطلوب شرایط، موقعیت و اوضاع اقلیمی و طبیعی و عوامل مربوط به محیط اقتصادی و اجتماعی نیز شامل مواردی نظیر تأثیر نامطلوب وضعیت اقتصادی، مالی و درآمدی بر آموزش و پرورش و نیز تأثیر عوامل اجتماعی، محدودیت‌ها و قواعد و مقررات می‌باشد.

جدول ۴. راهکارهای مناسب به منظور بهبود وضعیت آموزش در نواحی محروم

مقوله‌ها	کدهای محوری	شواهد
کوتاه مدت	جذب مشارکت و کمک‌های محلی	جذب ظرفیت‌های محلی و پشتیبانی سازمان‌های مربوط در ابعاد زیرساختی و مالی.
	ایجاد کارگروه‌های مشورت و هم‌فکری	برگزاری منظم جلسات گفت‌وگو، تبادل و اشتراک تجارب و برقراری سیستم هم‌فکری و تعاون علمی.
	ابتکار و نوآوری در برنامه‌های آموزش	برگزاری گردهمایی و جشنواره‌ها و طراحی و اتخاذ سیستم ثبت تجارب و نوآوری‌ها در آموزش نواحی محروم.
		توجه به مسائل پرورشی و فوق‌برنامه، بازدید علمی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی.



در نظر گرفتن استعدادهای ویژه دانش‌آموزان با ایجاد تنوع و انعطاف در برنامه‌ها و زمان و مکان برگزاری کلاس درس.	انعطاف و تنوع در آموزش	بلندمدت
فراهم‌سازی زمینه برای استفاده همهٔ بچه‌ها از منابع موجود و بهره‌بردن از امکانات آموزشی و وسایل سرمایشی و گرمایشی.	ایجاد مدارس مجتمع	
تجمیع دانش‌آموزان و فراهم ساختن امکان تشکیل کلاس‌های تک پایه و توزیع بهینه نیروهای آموزشی.		
شناسایی نارسایی‌های موجود در مناطق مختلف و برنامه‌ریزی نیمه متمرکز و ناحیه‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و آموزشی.	برنامه‌ریزی منطقه‌ای	
برگزاری دوره‌های فرهنگی و آموزش خانواده برای دانش‌اندوزی، کسب مهارت‌های زندگی و مهارت تربیت فرزند.	طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی	
طراحی برنامه‌های حمایتی و جمع‌آوری کمک‌های مادی و معنوی برای مدارس و نیازمندان با همکاری خانواده‌ها.		
تلاش برای ایجاد تغییر و تحول مثبت در نگاه به آموزش و به‌کارگیری مطلوب تمام ظرفیت‌ها.		
برقراری سازوکار نیازسنجی و توزیع و تخصیص عادلانه منابع و امکانات موجود در جهت توسعهٔ آموزشی.	نیازسنجی و توزیع عادلانه امکانات	
توجه به شرایط محلی و نیازهای اساسی در ابعاد نظری و عملی در محتوای آموزشی و آموزش‌های آماده‌سازی و ضمن خدمت معلمان.	طراحی آموزش نیازمحور	
بسترسازی زمینه برای به‌کارگیری فناوری در آموزش و هوشمندسازی مدارس و تأمین اعتبارات لازم.	هوشمندسازی مدارس	
شناسایی نقاط قوت و ضعف و برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح علمی و مهارت معلمان.	برقراری نظام نظارت و راهنمایی	
طراحی سازوکارهای تشویقی مناسب و تخصیص منابع و تسهیلات لازم در جهت حمایت از معلمان مناطق محروم.	برقراری سازوکارهای تشویقی	

بر اساس یافته‌ها، راهکارها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: الف- موارد فوری و کوتاه‌مدت که تا حدودی محدودیت‌های مرتبط با موانع و مشکلات را تسکین می‌بخشند (جذب مشارکت و کمک‌های محلی، ایجاد کارگروه‌های مشورت و هم‌فکری، ابتکار و نوآوری در برنامه‌های آموزش، انعطاف و تنوع در آموزش، ایجاد مدارس مجتمع). ب- مواردی که در بلندمدت قابل تحقق هستند و تا حدی به طور ریشه‌ای مشکلات و موانع را برطرف می‌سازند (برنامه‌ریزی منطقه‌ای، طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی، نیازسنجی و توزیع عادلانه امکانات، طراحی آموزش نیازمحور، هوشمندسازی مدارس، برقراری نظام نظارت و راهنمایی، برقراری سازوکارهای تشویقی).

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه وضعیت آموزش مناطق محروم با تأکید بر مقطع ابتدایی انجام شد. در بخش مطالعه کتابخانه‌ای و سندکاوی، عواملی نظیر عدم تناسب اهداف آموزش رسمی و غیررسمی و عدم ارتباط محتوا و مواد آموزشی ابتدایی با نیازهای محلی، کمبود امکانات، وسایل و فضاهای آموزشی با کیفیت، عدم تناسب منابع و اعتبارات، وضعیت نامطلوب کمی و کیفی و توزیع نامناسب نیروی انسانی در بعد دروندادی مطرح می‌باشند. آموزش یکسان و بی‌توجهی به تفاوت‌ها، عدم استقبال از روش‌های نوین تدریس و فناوری‌های آموزش و توجه

ناکافی نسبت به فعالیت‌های علمی و پژوهشی و نیازهای آموزشی دانش‌آموزان، ناهماهنگی کادر آموزشی و عدم ارتباط سازنده با اولیای دانش‌آموزان، عدم تناسب آموزش‌های ضمن خدمت و عدم حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی لازم از نتایج مطالعات کتابخانه‌ای در بعد فرآیندی بوده است. نتایج مطالعه منابع در بعد بروندادی حاکی از عملکرد نامطلوب کمی و کیفی، سواد غیرکاربردی، وضعیت نامطلوب بهداشت جسمی و روانی، ضعف آگاهی‌های عمومی و ناهنجاری رفتاری و ضعف در مسؤولیت‌پذیری می‌باشد و نیز تأثیر نامطلوب عوامل مربوط به رسوم و سبک زندگی محلی و نوع نگاه، تأثیر نامطلوب شرایط، موقعیت و اوضاع اقلیمی و طبیعی، تأثیر نامطلوب وضعیت اقتصادی و مالی و تأثیر عوامل اجتماعی در بعد محیطی از ویژگی‌های آموزش مناطق محروم می‌باشند.

نتایج مصاحبه‌های مربوط به وضعیت موجود آموزش در منطقه مورد مطالعه نشان داد که توزیع نیروی انسانی آموزشی نسبت به حجم و انتظارات موجود رضایت‌بخش نیست، به طوری که موجب تحمیل فشار کاری محسوسی روی کادر آموزشی می‌شود. مدارس از وجود نیروی خدماتی و پشتیبانی و مربی بهداشت بهره‌مند نیستند و حتی آموزگاران نیز دوره‌های آموزشی مرتبط با ویژگی‌ها، کمبودها و ظرفیت‌های محلی، بومی و فرهنگی محل خدمت را دریافت نکرده‌اند. هم‌سو با این یافته‌ها، نتایج (Khazaei, Soleimanpour & Asghari, 2019) نیز نشان داد که در روند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شاخص منابع انسانی از جنبه کمی و کیفی در روند بهبود برنامه‌های آموزشی مدارس تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در منطقه مورد مطالعه نه برای آموزش و کلاس درس و نه برای ورزش و فعالیت‌های نشاط‌آور، فضای مناسب در اختیار دانش‌آموزان نیست و مدارس به امکانات و فناوری‌های آموزشی که مکمل و تسهیل‌کننده روند آموزش است، دسترسی ندارند. مدارس نواحی روستایی عموماً فرسوده و فاقد استحکام می‌باشند و برگزاری کلاس‌های درس در محیط‌های فرسوده همواره با استرس و عدم تمرکز آموزگار و دانش‌آموز همراه است. امکانات موجود نیز به درستی توزیع نشده‌اند و بسیاری از روستاهای نزدیک به شهر و مسیرهای ارتباطی از امکانات بیشتری برخوردارند. این وضعیت، کیفیت پیگیری و تحقق اهداف آموزش ابتدایی را با مشکل مواجه ساخته است و نتیجه آن نارضایتی معلمان و دانش‌آموزان است. این نتایج با یافته‌های پژوهش (Hosseinbor, Naderi & Seif Naraghi, 2021) همخوانی دارد. نتایج تحقیق مذکور نشان داد که کمبود و تخصیص ناعادلانه امکانات و اعتبارات در محدوده وسیع و دارای پراکندگی جمعیت بیشترین تأثیر را در بی‌عدالتی و شکاف آموزشی داشته‌اند.

در بخش آموزش، در حال حاضر از نظر ساختار و برنامه هیچ تفاوتی میان مناطق محروم و غیرمحروم نیست و شاخص‌ها و ابعاد فرهنگی و علمی، آن‌طور که باید مورد توجه قرار ندارند و این وضعیت، صرف و اتلاف زمان آموزش برای مسائل فرعی را در پی دارد. زبان مادری بسیاری از دانش‌آموزان منطقه مورد مطالعه، عربی است و دوزبانه محسوب می‌شوند؛ این مسأله در کنار مسائل فرهنگی و سبک زندگی، ارتقای کیفیت آموزش در این نواحی را با چالش‌های چندگانه مواجه ساخته است. آموزش در هر منطقه به طور عام و در مناطق محروم به شکل خاص، دارای ویژگی‌های مخصوص به خود است و شرایط و برنامه‌های خاص خود را می‌طلبد. در کشور ما آموزش به صورت متمرکز دنبال می‌شود و محتوا و شیوه‌های آموزشی موجود نیز از انطباق و انعطاف لازم با نیازها و شرایط محلی برخوردار نمی‌باشند. در حال حاضر، عناصر آموزشی اعم از اهداف، محتوا، روش‌ها، ارزشیابی و نظارت و تعیین شایستگی و توانمندی‌های علمی و آموزشی بر رویه‌های یکسان و متمرکز استوار است و نیازهای ویژه محلی و شرایط و تفاوت‌های دانش‌آموزان معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد. در چنین بستری، قوانین و مقررات مالی و استخدامی بر اساس نظام آموزشی متمرکز شکل می‌گیرد و همچنان جای خالی سیاست‌ها و برنامه‌های ترکیبی (ملی و محلی) احساس می‌شود. نتایج (Sattari, 2021) نیز مؤید تمرکز در طراحی، تدوین و



اجرای برنامه‌دستی و عدم توجه کافی به نیازهای محلی آن‌گونه که شاید و باید بوده است. (Breen et al, 2010) و (Sadeghi, 2018) در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، تخصصی، فرهنگی و جغرافیایی را به عنوان عوامل بهبود وضعیت آموزش در مناطق محروم مورد توجه قرار داده‌اند.

با توجه به نوع نگاه سنتی، سبک و شیوه زندگی و تمرکز خانواده‌ها بر مسائل اقتصادی و معیشتی، بسیاری از دانش‌آموزان در کارهای کشاورزی و دامپروری به والدین خود کمک می‌کنند و به تبع به دلیل مشکلات موجود، تعدادی از دانش‌آموزان ادامه تحصیل نمی‌دهند و حتی بعضی (به خصوص در مورد دختران) نیز در طول سال تحصیلی ترک تحصیل می‌کنند؛ در این حالت معمولاً امور تحصیلی بچه‌ها برای والدین از اهمیت بالایی برخوردار نیست و در اولویت قرار ندارد. در واقع، بخشی از مسائل و مشکلات مرتبط با آموزش در منطقه مورد مطالعه به نوع نگاه خانواده‌ها و ارزش و اهمیت و انگیزه و انتظارات آن‌ها مربوط می‌شود که توجه و پیگیری تحصیل فرزندان به خصوص فرزند دختر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این کم‌توجهی ممکن است در رفع نیازهای اولیه نظیر کیفیت تهیه خوراک و پوشاک مناسب برای دانش‌آموزان و آماده کردن آن‌ها برای ایفای نقش مطلوب‌تر در عرصه درس و یادگیری انعکاس یابد و آثار نامطلوبی را بر جای بگذارد. افزون بر این عوامل، با توجه به دوزبانه بودن و اینکه زبان اصلی بیشتر مردم منطقه مورد مطالعه عربی است، معمولاً شبکه‌ها و کانال‌های تلویزیونی خارجی نیز مورد استقبال مردم هستند و کودکان با آموزش‌های متناقض مواجه می‌شوند. (Sobhani, 2020) در مطالعه خود، طراح، تأمین اعتبار و اجرای برنامه‌های فرهنگی را یکی از مهم‌ترین عوامل بهبود وضعیت آموزش در نواحی محروم معرفی کرده است. نتایج تحقیق (Taneri & Demir, 2011) نیز مؤید عدم تعامل و مشارکت مؤثر مردم روستاهای دورافتاده در فرآیند تعلیم و تربیت می‌باشد.

می‌توان گفت مشکلات مربوط به کمبود منابع (مادی و انسانی) و امکانات و نیز مسائل مرتبط با عوامل فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در منطقه مورد مطالعه می‌باشند که وضعیت آموزش و پرورش ابتدایی را تحت شعاع قرار می‌دهند. کمبود نیروی انسانی باتجربه و متخصص و مسأله توزیع متناسب و نگاه‌داشت نیروهای آموزشی مستلزم توجه جدی به مسأله رفاه و آسایش معلمان است. در نواحی روستایی و دورافتاده، پراکندگی و شرایط نامناسب مسیرهای ارتباطی، مانع بزرگی در مسیر تسریع و تسهیل روند تخصیص اعتبارات عمرانی و آموزشی محسوب می‌شود. با توجه به بافت منطقه مورد مطالعه، مسائل اقتصادی و معیشتی بر آموزش و وضعیت تحصیلی ارجحیت داشته و مردم بیشتر بر رفع مشکلات ناشی از نوع زندگی خود تمرکز دارند. در این شرایط، اگر چه تعدادی از خانواده‌ها نیز برای آموزش کودکان خود وقت می‌گذارند، اما عمدتاً روی کمک همه اعضا حتی کودکان در فعالیتهای دامپروری و تا حدودی هم در کشاورزی حساب باز می‌کنند و با این اوصاف، می‌توان گفت فعالیت و سبک زندگی و نوع نگاه نیز در تداوم محرومیت آموزشی بی‌تأثیر نیست.

مسأله نیازها و کمبودهای حوزه آموزش و پرورش مناطق محروم از بزرگ‌ترین چالش‌های موجود در مسیر توسعه و پیشرفت علمی کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه است. کمبود نیروی کار متخصص از مسائلی است که مناطق محروم به طور همیشگی و یا دست‌کم به شکل مقطعی با آن روبه‌رو هستند. مورد دیگر کمبود نیروی خدماتی و بهداشتی است که به خصوص در مدارس که تعداد دانش‌آموزان بیشتری دارند حائز اهمیت است و این مسأله علاوه بر اختلال در کیفیت آموزش، احتمال بروز خطرات تهدیدکننده سلامتی و شیوع بیماری‌ها را نیز افزایش می‌دهد. در نگاه اول، به نظر می‌رسد که تشکیل کلاس‌های چندپایه و مختلط با دانش‌آموزان ناهم‌سطح از نظر توانایی علمی و نیز از نظر سنی تنها یک راهکار موقت و نه همیشگی است. اما این رویه ده‌ها سال است که هنوز در بسیاری از نقاط اجرا می‌شود. علاوه بر موارد مذکور، زمینه و بستر محرومیت و توسعه نیافتگی (با وجود منابع طبیعی غنی)، اشتغال پایین و زندگی و فعالیت اقتصادی بر اساس شیوه‌های سنتی و

درآمد مقطعی مردم از موانع پیشرفت و بهبود وضعیت تحصیلی و تحقق توسعه آموزشی در منطقه مورد مطالعه می‌باشند که تداوم محرومیت آموزشی را در پی دارند.

توسعه و بهبود کیفیت آموزش موضوعی چندوجهی و پیوسته است که با ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به شکل مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط است. در شرایطی که مردم از اراده و توان علمی و اقتصادی لازم برای حمایت از فعالیتهای آموزشی برخوردار نباشد، بهبود وضعیت آموزش امکان‌پذیر نیست. اگر معلمان ریشه در فرهنگ بومی نداشته باشند و یا از توان برقراری ارتباط و تعامل سازنده با مردم بومی ناتوان باشند در ادامه مسیر آموزش با چالش‌های متعددی روبه‌رو خواهند شد که از شادابی و نشاط و امید به فعالیتهای آموزشی در آنها می‌کاهد. در صورتی که اعتبارات مالی لازم برای ساخت و تجهیز ساختمان‌های کاربری آموزشی اختصاص نیابد و معلمان و دانش‌آموزان رفاه و آسایش نداشته باشند و در زمینه دسترسی و کاربرد تکنولوژی حمایت نشوند، نمی‌توان به تغییر و تحولات مثبت در زمینه آموزش و پرورش امید داشت. توسعه آموزش و پرورش در گرو به‌کارگیری ظرفیتهای بالقوه و بالفعل موجود می‌باشد. در این راستا لازم است تا با نگاه جامع، بررسی مشکلات مربوط به معلمان، دانش‌آموزان، اهداف، روش‌ها و محتواها، ارزیابی‌ها، اعتبارات، چگونگی ارتقای اراده‌ها و انگیزه‌ها، تنوع برنامه‌ها، چگونگی استفاده بهینه از امکانات موجود، هم‌افزایی، حمایت و پشتیبانی را در رأس برنامه‌های اصلاحی قرار داد. با این تفاسیر، شناسایی مشکلات، کمبودها و نارسایی‌های آموزش مناطق محروم و برنامه‌ریزی برای اصلاح و بهبود وضع موجود در حیطه‌های مختلف اعم از توزیع امکانات موجود، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای به‌کارگیری فناوری آموزشی، به‌کارگیری ظرفیتهای محلی برای مشارکت در آموزش و پرورش، تنظیم و اجرای برنامه‌های فرهنگی و در واقع اتخاذ مجموعه‌ای از تدابیر و اقدامات درونی و بیرونی در ارتباط با آموزش و پرورش نواحی محروم ضروری است. در پایان، پیشنهادات زیر جهت بهبود وضعیت آموزش در مناطق محروم ارائه می‌شود:

- با توجه به مسائل و مشکلات موجود در مورد نیروی انسانی آموزش و پرورش، توجه به نیازها و شرایط محلی در آماده‌سازی و توزیع نیروهای آموزشی و تدوین طرح‌های آموزشی تخصصی، ویژه و ضمن خدمت متناسب باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.
- شناسایی ابعاد و گستره نواقص و کمبودها در بخش‌های مختلف آموزشی، منابع و امکانات، گام مهمی در راستای ترسیم وضع موجود و برنامه‌ریزی برای محرومیت‌زدایی می‌باشند.
- در مورد اجرای فرآیند آموزش، جذب ظرفیتهای ملی و محلی به منظور پشتیبانی از آموزش و پرورش مناطق محروم در ابعاد زیرساختی و مالی و زمینه‌سازی برای به‌کارگیری تکنولوژی و فناوری‌های آموزشی و تأمین اعتبارات از موارد مهم و ضروری برای بهبود وضع موجود می‌باشند.
- در زمینه فرهنگ‌سازی و کاهش اثرات نامطلوب محیطی، برگزاری دوره‌های آموزش خانواده برای ارتقای مهارت‌های تربیت فرزند و کسب آگاهی در زمینه ضرورت آموزش و پرورش و آماده‌سازی و حمایت فرزندان برای حضور مؤثر در فرآیند تعلیم و تربیت، توصیه می‌شود.

## سیاس‌گذاری

از تمامی همکاران آموزش و پرورش که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، صمیمانه سپاس‌گزاریم.



## منابع

- Ahanchian, M. R. (2007). Educational opportunities and regional inequalities in border and non-border areas schools of Khorasan Razavi province, *Journal of Educational Sciences and Psychology*. 14 (3). 27-44. [In Persian].
- Aikman, S., El haj, H. (2006). EFA for pastoralists in north Sudan: A Mobile multi-grade model of schooling in Little, A.W. (ed). *Education for all and multi-grade model teaching: challenges and opportunities*. Springer: 193-211.
- Alinia, R., Ahmadi, M., Fallah, Z.A., Behlekeh, T. (2021). Analysis of sports teachers' lived experience of injustice in sports in deprived areas, *Educational Innovations Quarterly*. 21 (84). 65-78. [In Persian].
- Al-Turki, U., Duffuaa, S. (2003). Performance measures for academic department, *The International Journal of Educational Management*. 17 (7). 330-338.
- Amanpour, S., Parvizian, A.R., Alizadeh, M. (2015). Measuring the status of development indicators in the cities of Ilam province, *Farhang Ilam Magazine*. 16 (49 and 48). 7-27. [In Persian].
- Atchoarena, D., Gasperini, L. (2003). *Education for rural development: towards new policy responses*. Published by FAO & UNESCO.
- Atef, H., Medhat, M. (2015). Blended Learning Possibilities in Enhancing Education, Training and Development in Developing Countries: A Case Study in Graphic Design Courses. *TEM Journal*. 1 (4). 358-365.
- Bashiri Hadadan, G., Mohammadi, F., Rezapour, Y., Adib, Y. (2015). Description of teachers 'and experts' experiences of education in multi-grade classrooms of elementary schools in Kalibar rural areas, *Shahed University Bi-Quarterly*. 22 (7). 107-120. [In Persian].
- Bazargan, A (2004). *Educational evaluation*, Tehran. Samat Publications. [In Persian].
- Breen, R., Luijkx, R., Muller, W., Pollak, R. (2010). Long-term Trends in Educational Inequality in Europe: Class Inequalities and Gender Differences *European Sociological Review*. 26 (1). 31-48.
- Burke, J.C., Minassians, H., Yang, P. (2002). State performance reporting indicators: What do they indicate? *Planning for Higher Education*. 31(1). 15-29.
- Ebrahimi Kushk Mehdi, S., Fazel, R., Ahanchian, M.R. (2016). Phenomenology of organizational training: the lived experience of the employees of Ferdowsi University of Mashhad, *Human Resources Education and Development Quarterly*. 3 (9). 66-47. [In Persian].
- Fazli, R., Seif, A.A., Kiamanesh, A. (2009). Designing a model for improving the quality of education for girls in less developed areas and examining its effectiveness, *Journal of Educational Innovations*. 8 (32). 118-139. [In Persian].
- Gertler, P., Schargrodsy, E. (2008). School decentralization: Helping the good get better, but leaving the poor behind, See discussions, stats and author profiles for this publication at: <http://www.researchgate.net/publication/23776761>.



- Ghasemi Nejad, A., Bahrami, V. (2021) Designing a database model for the use of virtual networks in realizing the education of the Illiterate and poorly educated Persons in Lorestan province, *Educational Innovations Quarterly*. 19 (74). 165-189. [In Persian].
- Horn, D. (2010). Essays on educational institutions and inequality of opportunity, a Doctoral Dissertation Submitted to the Central European University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Hosseini Bor, M., Naderi, E., Seif Neraghi, M. (1400). Examining the educational inequalities of Sistan and Baluchistan compared to national indicators and presenting a model for the realization of educational justice with an emphasis on the philosophy of Islamic education, *Quarterly of Educational and School Studies*. 12 (3). 383-413. [In Persian].
- Husserl, E. (2018). *The idea of phenomenology*, translated by Abdol Karim Rashidian. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- JiaGuo, L., Huang, J., Zhang, Y. (2019). Education Development in China: Education Return, Quality, and Equity. *Sustainability* 2019. 11 (3750). 1-20.
- Kerr, K., West, M. (2010). *Social inequality: can schools narrow the gap?*, Published by the British Educational Research Association. Insight 2.
- Khazaei, M., Soleimanpour Imran, M., Asghari, H. (2019). Investigating the place of regional planning in the educational program process (case study: District 4 of Mashhad city), *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*. 3 (13). 367-382. [In Persian].
- Kormos, E., & Wisdom, K. (2021). Rural Schools and the Digital Divide: Technology in the Learning Experience, *Theory & Practice in Rural Education*. 11 (1). 25-39.
- Lincoln, Y.S. Guba, E.G. (1985). *Naturalistic inquiry*, Beverly Hills. CA. Sage.
- Makusana, C., Kapisa, M.J. (2007). *Multi-grade teaching tutorial*, translated by Muharram Aghazadeh. Tehran: Ayizh Publications. [In Persian].
- Maleki, S., Ahmadi, R., Torabi, Z. (2013). Grading of educational development in the cities of Khuzestan province, *Journal of Educational Planning Studies*. 2 (4). 167-197.
- Mirkamali, S.M., Pourkarimi, J., Ferasatkhah, M., Namdari Pejman., M. (2016). Designing a quality assurance model for student teachers' educational planning at Farhangian University, *Journal of Educational Planning Studies*. 6 (12). 55-88. [In Persian].
- Mohammadi Mehr, M., Khosravi, M., Shahmoradi, M., Sheikhi, S. (2020). Educational Equality: An Unfinished Puzzle of Education in the 21st Century, *Journal of Nama Educational Studies*. 8 (1). 51-59. [In Persian].
- Mousavi, F., Sharifi, H.P. (2008). Presenting a suitable model for improving the current situation of the guidance system of primary school teachers, *Quarterly Journal of New Thoughts in Educational Sciences*. 4 (1). 109-136. [In Persian].
- Nuh, M. (2014). *Menyemai Kreator Peradaban*, Jakarta: Zaman Publication.



- Nurlaela, L., Wrahatnolo, T., Karwanto..., Kristanto, A. (2018). Development of Education in Disadvantaged: A Case Study in Situbondo Regency; East Java, *Advances in Social Science, Journal of Education and Humanities Research*, 222, 41-46.
- Pursalim, A., Arefi, M., Fathi Vajargah, K. (2017). Designing a Curriculum Model for Global Citizenship Education in the Elementary School of Iran: A Model Based on Data-Theory Theory, *Journal of New Educational Thoughts*. 13 (3). 7-35. [In Persian].
- Sadeghi, H. (2018). Improving the development index of deprived areas by strengthening the position of boarding schools, *Shargh newspaper*. February 5. No 3359. [In Persian].
- Sajjadian, N., Ekrami, N. (2016). Measuring the extent to which the country's border provinces enjoy development indicators using numerical taxonomy and TOPSIS models. *Quarterly Journal of Environmental Processing*. 41. 47-69. [In Persian].
- Salehi, K., Zeinabadi, H.R., Parand, K. (2009). Application of a systemic approach in evaluating the quality of vocational technical vocational schools: A case of evaluation of vocational technical vocational schools in Tehran, *Quarterly Journal of Educational Innovations*. 8 (29). 152-203. [In Persian].
- Samadian, S. (2006). *Methods of managing and teaching multi-grade classrooms*. Tabriz: author publications. [In Persian].
- Sattari, A. (2021). Decentralization of the curriculum in Iran by relying on the value-belief components and the rules of the national curriculum document, *Iran Curriculum Studies Quarterly*. 16 (62). 197-222. [In Persian].
- Sobhani, N. (2020). Regional Inequalities in Sustainable Educational Development (Case Study: Cities of West Azerbaijan Province), *Journal of Spatial Planning*. 10 (35). 193-216. [In Persian].
- Strauss, A., Corbin, J. (2006). *Principles of qualitative research method: basic theory and Methods*. translated by biyuk Mohammadi. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Taneri, P.O., Engin-Demir, C. (2011). Quality Education in Rural Schools : A Needs Assessment Study (Ankara-Kalecik Sample), *International Online Journal Educational Sciences*. 3 (1). 91-112.
- Turani, H., Aref Nejad, S. (2018). Investigating the obstacles and methods of attracting children left out of school in rural and nomadic areas, *Education and Trayning Quarterly*. 132. 31-47. [In Persian].
- Zakeri, T. (2017). Establishing justice and educational development and its solutions in deprived areas of the province, provincial scientific-research conference on strategies and solutions to improve the quality of education, *Hormozgan. Minab*. [In Persian].